

به یاد ابوالفضل و منوچهر

رفقا منوچهر دستنبو و ابوالفضل صالحی روز ۱ تیر، به هنگام پخش اعلامیه‌ی سازمان در پاره‌ی شهادت رفیق سعید سلطانپور، در تبریز به دست پاسداران ظلم و جهل اسیر شدند و پنج هفته به جاپ خبر اعداشان در روزی نامه‌های رزق به چاپ رسید. در رهای ۱۷ شرح کوتاهی داشتیم از زندگی و مبارزات این دو رفیق. آنچه در زیر میخوانید گزارشی است از وضعیت شهادت رفیق دستنبو که وحتیگری غیر قابل تصور جلادان خصمنی را شخصی نشان میدهد، وحتیگریهایی که مطابق قوا، های خود خصمی انجام میشود.

میرند که استخوان کف او نیز شکسته شده و شکاف در محل شکستگی مشخص است. علاوه بر این سه انگشت بکلی از دستهای رفیق نیز بریده و از کف دست جدا شده بود. تنها جای گلوله‌ای که در حس مشاهده بستند در دهان وی بود. معلوم بود که گلوله‌ای را به داخل دهان رفیق شلیک کرده‌اند که در اثر آن یک طرف صورتش از هم پاشیده شده و زبانش از ناحیه کردن بیرون زده بود. خانواده رفیق ابوالفضل طریقم مراجعات مکرر به دارگاه انقلاب، هنوز موفق به دریافت جسد نشده‌اند. به احتمال قریب به یقین وضع رفیق ابوالفضل از رفیق منوچهر بدتر بوده است.



رفقا منوچهر دستنبو و ابوالفضل صالحی، دو تن از رفقای سازمان ما، در روز ۱/۴/۶۰ به هنگام پخش اعلامیه در تبریز دستگیر میشوند. خانواده‌هایشان که بدنبال دستگیری آنها اکثر کمیته‌ها و سپاه و دارگاه انقلاب را به خاطر پیدا کردن فرزندانشان گشته بودند، کویکسشن آثری از آنها نیافتند. خانواده‌ها به هر کمیته‌ای که مراجعه میکردند جواب میندند که ما چنین کسی را در اینجا نداریم. بالاخره نام رفقا را در روز نامه‌های ۱۴ مرداد نوشتند و اعلام کردند که اعدام شده‌اند. روزنامه کیهان خبر را با عنوان ۳۷ قاجاقین در تبریز اعدام شدند چاپ کرده و فقط در متن خبر نام دو رفیق را آورده بود. بدنبال همین خبر، و با یک روز تأخیر، خانواده‌ها برای دریافت جسد‌ها به دارگاه مراجعه میکنند. مسئولین دارگاه جواب میدهند که به وادی رحمت ((گو رستان تبریز)) مراجعه کنید. خانواده‌ی دستنبو به گورستان رفته و تقاضای استرداد جسد را میکنند تا آنرا به شهر خودشان ببرند. مسئولین اظهار میدارند که ما چهار روز این جسد‌ها را در سردخانه نگه داشتیم و ۹ روز است که آنها را بخاک سپرده‌ایم. خانواده‌ها روزنامه را نشان میدهند و میگویند شما در این تاریخ ((۱۴ مرداد)) اساساً را اعلام کرده‌اید و از آن تاریخ سه روز میگذرد. ما چه از نظر قانون و چه از نظر شرع مجازیم که نیتش قبر کنیم. بالاخره بعد از صحبت فراوان خانواده‌ی رفیق دستنبو موفق میشوند که اجازه نیتش قبر را از دارستان بگیرند. پس از نیتش قبر متوجه میشوند که جسد رفیق را بدون شستشو و کفن کردن با پراهنی که به تن داشته در نایلونی پیچیده و در قبر گذاشته‌اند. پس از آنکه نایلون را باز میکنند تا جسد را مشاهده فسونی کرده و آنرا در نایلون نرزی پیچند متوجه میشوند که جیب‌های گلوله‌ای در بدن وجود ندارد و پاهای رفیق منوچهر را روی سینه اش قرار داده‌اند. خانواده‌ی رفیق متوجه میشوند که دو پای او را از ناحیه ساق و چند جای دیگر شکسته و باز پس

کمنر از ده روز پس از شهادت رفقا دستنبو و صالحی، مردوران رژیم در جلای ۱۸ مرداد مجلس خود در حینوی "بهرترین شیوه‌های شکنجه و اعدام بحث میکردند. در حالیکه تنها از ۳۰ مرداد تا ۱۸ مرداد بیش از ۵۰۰ نفر مبارز انقلابی در شکنجه‌ها با در میدانهای تیر در تمام شهید شده بودند. مرتضوی به نام عباسی به اربابان خود یادآوری کرد که اگر دست و پایی کسی را ببرید او را در خیابان بیندازید ((میدانید)) چه اثر قاطعی خواهد داشت. و جلاد موسوی تبریزی با قاطعیت اظهار نظر کرد که امروز بهترین راه مبارزه با ضد انقلاب، به صلاحدید همه حکام شرع اعدام است. تنها در ۸۰ روز گذشته نزدیک به ۱۶۰۰ مبارز انقلابی اعدام شده‌اند. جلادان خصمنی دستبند پاهای بسیاری را شکسته و نیتش بر سرده‌اند و آنترسیگار خود را بر بدنهای بسیاری خاموش کرده‌اند. اما پروازهای همه روزه مردوران ریز و درشت رزیم به لقالله بهترین گواه است. اشرف قاطع اینک هیچ یک از این وحتیگریها اشرف قاطع نداشت و نخواهد داشت. ریسان الهی پیوسته‌ای که خصمنی و حکومتش به آن جنگ زده‌اند در حال از هم گسستن است. روزمرگ این حکومت ظلم و فساد و جهل در نخواهد بود. اگر چه منوچهر و ابوالفضل در آنروز در کنار ما نخواهند بود، اما یادشان هرگز از خاطرمان نخواهد رفت. ما راه این دو رفیق و هزاران کمنیت دیگر را که در سراسر جهان برای برقراری آزادی و عدالت اجتماعی، برای برقراری سوسیالیسم جان فدا کرده‌اند ادامه خواهیم داد.

